

جنگ پوتین و تاریخ یهود

برندن مَکگیور

تاریخ اوکراین، از قتل عام های جنگ داخلی روسیه گرفته تا همدستی ملی گرایانه اوکراینی در هولوکاست، به نحو جدایی ناپذیری با یهود ستیزی در پیوند است. چنین پیوند های تاریخی در جریان هجوم روسیه به کشوری که این روز ها رئیس جمهوری یهودی اداره اش می کند، بیشتر به چشم می آید. مَکگیور! جامعه شناس تاریخی نگر، در خصوص این گذشته پیچیده نوشته، همچنین در مورد معنا و مفهوم نسبت گرایش حال حاضر یهودیان به ایده اوکراین با دو مقوله هویت یهودی و تاریخ در حال جریان نژادپرستی در منطقه و ورای آن می نویسد.

بروز فاجعه در اوکراین ما را به یاد والتر بنیامین، نویسنده و فیلسوف یهودی و آلمانی، می اندازد. او در واپسین نوشتار خود، در حالی که کابوس نازیسم دست از سرش بر نمی داشت، به ما اعلام می کند که نمی توان تاریخ را بسان سیر تکاملی درک کرد. بنیامین، در مقابل، معتقد است تاریخ طوفان است، بلای ناگهانی است که مخروبه بر مخروبه تلنبار می کند، و توأمان "تلی از آوار" تولید می کند "که سر به آسمان بر می دارد".

قرنی پیش، اوکراین به کانون یهودستیزی بدل شده بود. این دوره قتل عام، خشن ترین فصل در تاریخ پیشا - هولوکاست مدرن یهودی را رقم زد. واژه قتل عام (یهودیان) از واژه روسی *gromit* که ممکن است از باب سهو قلم یا تخریب بوده باشد، ریشه می گیرد. این واژه، مانند واژه کیوسک^۲، یکی از معدود واژگانی است که از روسی وارد زبان انگلیسی شده است، و این انتقال درست زمانی

^۱Brendan McGeever: برندن مَکگیور مدرس ارشد جامعه شناسی دپارتمان روان - جامعه شناسی در دانشگاه برک بک لندن است. او همچنین در موسسه مطالعات یهودستیزی برک بک مشغول فعالیت است. او نویسنده یهودستیزی و انقلاب روسیه است.

^۲Pogrom

^۳Kiosk

انجام شد که اخباری حاوی امواج تکانه‌دهندهٔ خشونت ضدّ - یهود در جهان آنگلو فون، در گذار به قرن جدید، پخش شد. جنگ داخلی روسیه در جریان خیزش انقلاب بلشویکی شاهد قتل عام‌هایی بود که در آن حد اقل ۱۰۰۰۰۰ یهودی و شاید هم کمی بیشتر کشته شدند. بسیاری از این تعداد را اوکراینی‌های ملی‌گرای کشتند که در ارتش سیمون پتلیورا^۴ می‌جنگیدند. یهودستیزی همه‌گانی شده بود، اما در نهایت این ارتش سرخ بود که بساط خشونت مذکور را جمع کرد.

سرزمین‌هایی که نام هایشان را این روزها از طریق خطوط رادیویی می‌شنویم - مانند کیو، چرکاسی، چرنیهیو، ژیتومیر، اودسا، یومان - در قرن گذشته، عمده سرزمین‌های خشونت یهودستیزانه بودند. میری رابین مؤرخ مکان‌های مذکور را به عنوان فضای یادمان^۵ تاریخ یهود تویف می‌کند. حافظهٔ جمعی یهودیان با قساوت‌هایی از این دست غنی‌سازی شده است، همچنان که هویت یهودی با فجایعی که در سرزمین‌های اوکراین قرن پیش رخ داده در هم تنیده است.

این یهودستیزی به میانجی همدستی رهبر ملی‌گرای اوکراینی استپان باندرا^۶ و سازمان ملی‌گرای‌های اوکراینی^۷ (OUN) در ماجرای هولوکاست، در اوکراین سر دراز پیدا کرد. اوکراین برای بسیاری از یهودیان مساوی با یهودستیزی است.

البته امروزه به دلیل تهاجم‌های روسیه دیگر تشکیلات مذکور وجود ندارد. ولودیمیر زلینسکی در رأس دولت کنونی اوکراین قرار دارد. یهودیان قرن گذشته که درگیر جنگ و انقلاب بودند قادر به تصور این امر نبودند که روزی اوکراین را رئیس‌جمهوری یهودی اداره کند. به مرور زمان، به روشنی اتفاقات قابل توجهی افتاد. آیا گذشته به سادگی از نظر دور می‌افتد؟

نه واقعاً؛ گذشته در معرض دید باقی می‌اند. اوکراین خیابان‌هایی دارد که پس از سیمون پتلیورا نامگذاری شده است، و تندیس برای او در شهر وینیتسیا^۸ ساخته اند؛ اسکناس پنج هریونیایی مزین

^۴Simon Petluira

^۵Lieux de memoire

^۶Stepan Bandera

^۷Ukrainian Nationalists (OUN)

^۸Vinnytsia

به [عکس] قهرمان ملی اوکراینی بوهدان/خملنیتسکی^۹ است، در حالی که بر اساس حافظهٔ جمعی یهودیان، او در قتل عام قرن ۱۷ که ده ها هزار یهودی به کام مرگ رفتند دست داشت؛ بولواری به نام *استپان باندرا* در کیف وجود دارد، و تاریخ جنایت کارانهٔ سازمان ملی گرایان اوکراینی به نحو برنامه ریزی شده ای در [تاریخ] ناسیونالیسم رسمی اوکراینی در حاله ای از ابهام قرار دارد.

البته، یهودیان اوکراینی با ملت [اوکراین] باقی مانده اند و کم و بیش در این کار موفق بوده اند. بیانیه هایی که سازمان های جریان اصلی یهودی در اوکراین علیه تهاجم روسیه صادر می کنند مبتن گرایش مذکور است.

این واقعیت نشانگرِ پوچی و بی معنایی هدف "نازی زدایی" در جنگ امپریالیستی پوتین است. او با طرح این ادعا که اوکراین مساوی است با نازیسم، مشغول به تباهی کشاندن تاریخ روسیه، یهود و اوکراین است. [کاتریونا کلی: استدلال می کند](#) که تنها چنین تعریف عامدانه ای دربارهٔ گذشته به پوتین که شهروندی اهل لنین گراد است، جواز می دهد تا جنگ محاصره ای موطن خود در سال های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ را به خارکف، ماریوپل و کیف و میکولائیف بکشاند.

تاریخ یهود با مجادلات معاصر دربارهٔ حضور راست تندرو در اوکراین کنونی، گره خورده است. با وجود اینکه راست تندرو به لحاظ انتخاباتی بی اهمیت است، اما حضور گردان/آزوف که به عنوان گردانی رسمی عضو گارد ملی شرکت دارد، موجب نفوذ راست افراطی در خط مقدم نظامی شده است. با این حال، هجوم تبلیغاتی پوتین موجب تغییر شکل چیز هایی شده است که به عقل هیچ کس نمی رسد. حقیقت این است که هرگونه حضور راست تندرو در اوکراین صرفاً با تهاجم روسیه تقویت شده است.

واقعیات زندگی یهودیان در اوکراین امروز در بر دارندهٔ اموری ابتدایی است که البته به لحاظ تاریخی اهمیت دارند: چیزی که امروزه روز ثابت به نظر می رسد ممکن است فردا روز تغییر نماید. همچنانکه

^۹Bohdan Khmelnytsky

^۱Catriona Kelly

اوکراین به نفع یهودیان توسعه یافته است، حکومت پوتین به امری متعلق به گذشته تبدیل خواهد شد. شاید زودتر از انتظار ما چنین شود.

البته این جنگ نیز پیچیدگی های تاریخی را بر ملا کرده است که حامل اندریافت های دیاسپوریک در خصوص گذشته یهودیان اوکراینی است. در خصوص نسخه ای از تاریخ یهود که عرضه کننده گونه ای غایت شناسی خشونت و حکایت "طولانی ترین نفرت" باشد، محدودیت هایی در کار است. اگر از زاویه دیگری به مسأله بنگریم، قتل عام های دیروز همچنان قادر اند به عنوان گسست های موجود در قرن ها نزاع و همزیستی مشترک فهم شوند.

هنگامی که یهودستیزی از جنس اروپای شرقی آن را در مقابل انواع دیگر نژادپرستی قرار می دهیم به نکات با اهمیتی دست می یابیم. مدت هاست که در روسیه و اوکراین یهودیان را قتل عام نمی کنند. اما این واقعیت درباره جماعت های اقلیتی دیگر که در مناطق مذکور زندگی می کنند صادق نیست. لازم است به قتل عامی اشاره کنیم - بله، قتل عام - قتل عامی که در ۲۰۱۸ در پارک هولوسیوسکی در کیف رخ داد، این قتل عام علیه یهودیان نبود بلکه مردم را ما بودند که قتل عام شدند؛ این قتل عام تنها چند مایل با منطقه وقوع خشونت ضد یهود در ۲۰۱۹ فاصله داشت. و هرچند این مسأله دچار بی تحقیق ماندگی مزمن است، اما آن قدرها از نژاد پرستی ضد - سیاه و ضد - قهوه ای در روسیه آگاه هستیم که متوجه جدیت مسأله باشیم و بفهمیم که ناپدید شدن قتل عام ضد یهود، ناپدید شدن خشونت نژادپرستانه را به همراه نداشته است. و ما همه گی شاهد این منظره بوده ایم که صف پناهجویان در مرز های اروپای شرقی بر اساس سلسله مراتب نژادی طبقه بندی شده بودند، و پناهجویان سیاه خطوط آخر این صف را تشکیل می دادند. این تاریخ نژادپرستی که بی وقفه در جریان است، جهت بررسی تاریخ یهودستیزی، و از همین رو، به همان نسبت بررسی تاریخ یهود، نقطه نظر مناسبی را فراهم می آورد.

مسأله مذکور چه موقع دست از سرمان بر می دارد؟ گرایش یهودیان به ملت اوکراین از نقطه نظر قتل عام های جنگ داخلی یک قرن پیش قابل فهم نیست. اما تاریخ یهودستیزی در منطقه را می توان از طریق نسبت سنجی آن با اثر شدید و برساننده گرایش های نژادپرستانه در حال و گذشته بهتر قابل فهم کرد. اینکه یهودیان در سال های اخیر به ایده اوکراین گرایش یافته اند به این معنا

نیست که نیرو هایی که به دنبال نژادی کردن امور اند و در گذشته زندگی را برای یهودیان ناممکن کرده بودند پای خود را از زندگی همه [اقلیت ها] بیرون کشیده اند. با چنین نگرشی می توان طوفان تاریخ را بهتر درک کرد، همچنانکه مخروبه ها مدام بالاتر و بالاتر رفته و هر لحظه به آسمان نزدیک تر می شوند.

منبع:

<https://www.versobooks.com/blogs/5310-putin-s-war-and-jewish-history>